

لایحه حقوقی زنان

پیشنهاد همبود فمینیستی ایران، برای زن، زندگی، آزادی

در طول تاریخ و گوشه و کنار جهان، نهادهای مذهبی، حقوقی و فرهنگی متعددی سخت در کار بوده‌اند تا زنان را از مناسبات قدرت دور نگه دارند. در ایران، این نهادها عمدتاً تا دین را دستاویز قرار داده‌اند، به ویژه پس از سلطه‌ی صفویان که دین بخش جدایی‌ناپذیر ساختار سیاسی کشور شد. طی قرن‌ها زنان همواره در تلاش بوده‌اند تا با نشان دادن توانایی‌ها و شایستگی‌های خود در عرصه‌های گوناگون این محدودیت‌ها را از بین ببرند و بر این محدودیت‌ها چیره شوند. نخستین بارقه امید در جنبش مشروطه‌خواهی در پایان قرن سیزدهم هجری پدیدار گشت. زنان فرصتی یافتند تا حقوق شهروندی خود را مطرح کنند و در برابر نهادهایی بایستند که آنان را مادون انسان می‌پنداشتند. اما به رغم فداکاری‌ها و مشارکت فعال زنان در جریان انقلاب مشروطه خواسته‌های آنها در آستانه پیروزی انقلاب نه تنها بی‌پاسخ ماند، بلکه آنها در زمره دیوانگان و کودکان قرار داده شدند.

در دوران حکومت پهلوی سه خواسته اساسی که زنان پیشرو سالها برای کسب آنها تلاش کرده بودند، یعنی حق آموزش، حق رای و شرکت در فضای‌های عمومی و رهایی از حجاب که خواسته بسیاری از زنان و مردان روشنفکر بود به همت فعالان حقوق زنان تحقق یافت. همچنین در سال ۱۳۵۳ به همت سالها تلاش سناتور منوچهریان و سازمان زنان به مدیریت مهناز افخمی اصلاحات قابل توجهی در قانون خانواده انجام شد. ولی به دلیل فرهنگ مردسالار و قوانین خانواده زنان همچنان از بسیاری حقوق انسانی و اجتماعی محروم بودند.

قریب به شصت سال پس از انقلاب مشروطه، در سال ۱۳۵۷ صدها هزار زن به جنبش انقلابی دیگری پیوستند، به این امید که با تحقق دموکراسی، سرانجام حق تصمیم‌گیری بر زندگی خویش را به دست آورند و توانایی‌های خود را نشان دهند. انقلاب ۵۷ به تأسیس تئوکراسی اسلامی انجامید که پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و حقوقی فاجعه‌باری برای جامعه و زنان به همراه داشت. اما فعالان زنان ایران از پانزدهم اسفند ماه ۱۳۵۷ (۸ مارس ۱۹۷۹) درست یک روز پس از فرمان خمینی مبنی بر اجباری کردن حجاب برای زنان در نخستین تظاهرات بزرگ علیه جمهوری تازه تأسیس اسلامی بطور خودجوش به خیابان‌ها آمدند و علیه حجاب اجباری و سیاست‌های مبتنی بر خوانشی متحجرانه از شریعت اسلام شعار سر دادند. با وجود تهدیدها و سرکوب مداوم، زنان همچنان به اعتراضات و مبارزه بی‌وقفه برای رفع تبعیض ادامه دادند.

در ۴۴ سال اخیر زنان همواره نیروی محوری در مبارزه برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و آزادی در ایران بوده‌اند. رژیم اسلامی بدن زنان را پیوسته بعنوان اسلحه ایده‌ل‌ترین سیاسی خود در نظر داشته و دارد. زنان هیچگاه از سازمان‌دهی و بسیج برای برابری جنسی-جنسیتی و مبارزه با ساختارهای پدر-مردسالارانه دست‌نکشیده‌اند. در خرداد ماه سال ۱۳۸۴ زنان به دعوت جمع هم‌اندیشی فعالان حقوق زن مقابل دانشگاه تهران تجمع کردند و خواستار حذف موادی از قانون اساسی شدند که با محوریت تبعیض جنسی-جنسیتی تدوین شده بود. در شهریور ۱۳۸۵ جنبش زنان ایران کمپین یک

میلیون امضا برای لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان را سازماندهی کرد. زنان با تشکیل کمپین های متعدد از جمله کمپین مبارزه با مجازات سنگسار، کمپین سلامتی برای همه، کمپین علیه لایحه خانواده، کمپین حق ورود به ورزشگاه، کمپین با هم علیه اسیدپاشی، پیش نویس منشور زنان و کمپین توقف قتل های "ناموسی" برای رفع خشونت علیه زنان مبارزه کردند. در بسیاری از موارد زنان از مرزهای ایدئولوژیک عبور کردند و در مبارزه با حکومت و دولت دست به دست هم دادند. همچنین با تشکیل همگرایی جنبش زنان از فضای انتخاباتی سال ۱۳۸۸ استفاده شد و فعالان حقوق زن با سیاستمداران به چانه زنی پرداختند تا حق زنان را به مشارکت در فرایندهای تصمیم گیری سیاسی و قانونگذاری به رسمیت بشناسند. حضور زنان در صحنه انتخابات و اعتراضات مرتبط به آن نیز چشم گیر بود، و نمونه‌ی بارز آن مشارکت آنان در جنبش سبز است که بر خواسته‌ی انتخابات آزاد و فرصت شرکت برای همگان استوار بود.

از آغاز حکومت اسلامی تاکنون، بدون استثنا، واکنش نیروهای امنیتی به مبارزات زنان سرکوب و خشونت بوده است. در نتیجه این سرکوب ها بسیاری از فعالان حقوق زنان به تبعید رانده شدند، اما در خارج از مرزهای ایران نیز دست از تلاش نکشیدند.

با فعالیت و پیگیری های زنان تبعیدی، جنبش حقوق زنان ایران وجهی بین المللی پیدا کرده است. امروز بیش از هر زمان جامعه بین الملل از شدت و ابعاد خشونت دولتی علیه زنان و نقض حقوق بشر در ایران آگاه است. در عین حال، با ظهور رسانه های اجتماعی و امکانات جدید به رغم نظارت شدید دولت، زنان، این رسانه ها را به ابزار مؤثری برای سازمان دهی و بیان خواسته های خود تبدیل کرده اند، نافرمانی مدنی را به شیوه های گوناگون ادامه داده اند و مبارزات خود را به سایر جنبش ها مانند جنبش دانشجویی، کارگری، معلمان و زیست محیطی پیوند زده اند.

در تمام این سالها، مسأله‌ی حجاب اجباری که پرچم ایدئولوژیک رژیم است محوری ترین موضوع مبارزه زنان و نقطه تنش اصلی بین حکومت اسلامی و شهروندان در ایران بوده است. با شرکت زنان ایران در کمپین آزادی های یواشکی و چهارشنبه های سفید زنان بیشتری حکومت را به چالش کشیدند. دختران خیابان انقلاب با اهتزاز روسری هایشان در شلوغ ترین نقاط پایتخت خط قرمز حکومت را شکستند و بابت شجاعت شان بهای سنگینی پرداختند. واقعیت این است که اکثریت زنان ایرانی، فارغ از گرایش های مذهبی و فرهنگی، هرگز با ایدئولوژی زن ستیز جمهوری اسلامی که بدیهی ترین حقوق شان را انکار می کند کنار نیامدند.

جنبش سراسری زن - زندگی - آزادی بیانگر یک گسست عمیق و آشتی ناپذیر بین ملت و حکومت اسلامی در ایران است . زنان پس از آزمودن همه راه های ممکن و دادن فرصت های متعدد به رژیم برای تغییر رویه های ظالمانه و ایدئولوژی متحجرانه ، به این نتیجه رسیده اند باید یک قرارداد اجتماعی و سیاسی منطبق با خواسته ها و نیاز های خود را ارایه دهند. اکنون دوران حساسی است، چرا که اگر جنبش های اجتماعی سازمان یافته بتوانند خواسته های خود را بطور واقع بینانه ای و نه تنها با اتکا به شعارها و آرزوها رای تغییرات اجتماعی ترسیم کنند و جامعه را حول وحوش آن بسیج کنند، می توانند تغییرات عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را بوجود آورند. توجه به این نکته ضروری است که تغییرات قانونی بدون پشتوانه اجتماعی - سیاسی کافی نیست زیرا قانون قدرت خود را از توازن نیروهای مختلف جامعه می گیرد.

اینک، در بزنگاه جنبش «زن، زندگی، آزادی» ما گروهی از فعالان جنبش زنان با نام اعضای همبود فمینیستی ایران، پس از تجربه تلخ تاریخی دوانقلاب و تداوم تبعیض و بی‌عدالتی، باور داریم زمانش رسیده است که بر حقوق شهروندی خویش جامه‌ی عمل بپوشانیم. ما گرد هم آمدیم تا لایحه‌ای برای حقوق زنان تدوین کنیم که در قانون اساسی آینده ایران حق برابر شهروندی را برای همه‌ی زنان ایران بدون استثناء تضمین کند.

ما مصرانه می‌خواهیم که قانون اساسی آینده ایران بازتابی از منشور جهانی حقوق بشر و ملحقاتش باشد. ما خواهان کرسی‌های برابر برای زنان درمجلس موسسان، مجلس قانون‌گذاری و نهادهای ملی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم که مرجع تصمیم‌گیری‌های سیاسی خواهند بود و آینده‌ی کشور را رقم خواهند زد.

در این برهه‌ی تاریخی، ما مصرانه خواهان تحقق تمامی حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان و دیگر گروه‌های به حاشیه رانده شده در آینده‌ی سیاسی و حقوقی ایران هستیم، و در این راه به آرمان برابری جنسی - جنسیتی، عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی، که محورهای یک جامعه‌ی متکثر سکولار در داخل کشور هستند، متعهد می‌مانیم.

1 مجلس مؤسسان

مجلس مؤسسان که برای نگارش و تصویب قانون اساسی است، باید نهادی منتخب و با مشارکت همه مردم باشد و تشکیل آن مبتنی بر برابری و تنوع جنسی-جنسیتی، اتنیکی و مٲکی و متعهد به روح جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی باشد. زنان باید ۵۰ درصد نمایندگان همه حوزه‌های انتخاباتی را تشکیل دهند.

- 1.1 مجلس مؤسسان باید برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی با جریان‌های ذینفع رایزنی و با نمایندگان شهروندان، احزاب و گروه‌های مدنی و سیاسی و مدافعان و فعالان حقوق زنان در سراسر ایران گفتگو کند. چنین فرآیند مشورتی فراگیری روح کثرت‌گرایانه و دموکراتیک حاکم بر قانون اساسی را تضمین می‌کند
- 1.2 پیش‌نویس قانون اساسی باید برای اعلام نظر در دسترس عموم قرار گیرد. رایزنی‌های عمومی باید در سراسر کشور صورت گیرند و زمان کافی برای دریافت و تأمل در بازخوردها در نظر گرفته شود.
- 1.3 قانون اساسی باید پس از رایزنی‌های لازم و در نظر گرفتن بازخوردهایی که در جریان رایزنی‌ها از عموم مردم دریافت شده است به تنها مرجع تصویب آن - یعنی مردم - ارائه شود.

2 سکولاریسم حکومتی

تشکیل حکومت سکولار و دموکرات مبتنی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی با هدف پیاده‌سازی دموکراسی سالم و کثرت‌گرا و به رسمیت شناختن، حراست، و ارتقای حقوق همه شهروندان و ساکنان کشور فارغ از خاستگاه‌های جنسی-جنسیتی، نژادی، اتنیکی، دین باور و دین ناباور، و مؤلفه‌های هویتی دیگر اهمیت بنیادین دارد. قانون اساسی باید سکولار باشد بطوریکه در حکومت آینده عدم مداخله دین در وضع قوانین و اداره کشور تضمین شود.

- 2.1 در اسناد رسمی نباید هویت دینی شهروندان و ساکنان کشور ثبت شود.
- 2.2 دین امری خصوصی است. قانون اساسی باید انجام مناسک دینی شهروندان را مادامی که مخل آرامش سایر شهروندان نباشد، به عرصه عمومی کشیده نشود، به حقوق انسانی و زیست‌محیطی آسیبی نزنند، تضمین شود.
- 2.3 در قانون اساسی بر اساس اصل تفکیک قوا و در راستای تضمین توسعه عادلانه جامعه، قوه مقننه، قوه اجراییه، و قوه قضاییه باید مستقل باشند.

3 نهاد دادگاه عالی قانون اساسی

قانون اساسی باید نهاد دادگاه عالی قانون اساسی را ایجاد کند. مسئولیت اصلی این دادگاه تفسیر اصول قوانین کشوری در سایه روح و ارزش‌های قانون اساسی است. همچنین، باید اطمینان حاصل کند که قوانین و سیاست‌های کشوری با مواد قوانین اساسی، و ارزش‌ها و آزادی‌ها و روح قانون اساسی مطابقت دارند.

3.1 دادگاه عالی قانون باید کمیسیون مستقل برابری جنسیتی را برای نظارت، مشاوره و ارائه توصیه به مجالس قانونگذاری و سایر نهادهای قانونگذار و سیاست های دولتی ایجاد کند تا اطمینان حاصل شود که روح و عملکرد برابری جنسیتی در تمام عمل-کردهای دولت و نهادهای قانون گذاری رعایت می شود.

3.2 جامعه مدنی و سازمان های زنان و حقوق بشری می توانند شکایات مستند خود را در رابطه با عدم برابری قوانین و سیاست های جنسیتی به کمیسیون مستقل برابری جنسیتی ارجاع دهند. افراد نیز می توانند پس از اتمام گزینه های دیگر، پرونده خود را به کمیسیون ببرند.

3.3 قانون اساسی باید نهاد سازمان مستقل حقوق بشر را بر راستای لایحه بین المللی حقوق بشر ماصولاعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (UDHR, ICESER, ICCPR) و معاهده پاریس ایجاد کند و به ترویج، حمایت حقوق بشر برای همه اقشار مردم اختصاص داشته باشد. وظائف کمیسیون مستقل حقوق بشر نظارت و بررسی موارد نقض حقوق بشر در کشور است. این سازمان باید بر اساسی مستقل از نهاد های دیگر دولت به امور حقوق بشری بر اساس معیارهای بین المللی، فعالیت کند و از طرف سازمان ملل برسمیت شناخته شود و مستقل از دولت با دافتر حقوق بشری سازمان ملل ارتباط داشته باشد

4 تضمین حقوق بشر

قانون اساسی باید تمام حقوق انسانی همه شهروندان و ساکنان قلمرو کشور ایران صرف نظر از گرایش جنسی-جنسیتی، اتنیکیتی، دینی، نژادی و مؤلفه های هویتی دیگر در قانون اساسی گنجانده شود.

4.1 حقوق بشر جهانی در ۹ سند محوری به انضمام پروتکل های اختیاری آنها درج شده است که عبارتند از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (UDHR)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (ICCPR)، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ (ICESCR)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW)، و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ (DEVAW)، کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ (UNCAT)، کنوانسیون حقوق کودک (UNCRC) و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر قطعنامه های پیوسته به آن. قانون اساسی باید متضمن و پاسدار مجموعه ای جامع و متشکل از حقوق بنیادی، از جمله برابری و رفع تبعیض و در تطابق با روح و محتوای کامل با این اسناد باشد.

4.2 برای تضمین حراست از حقوق بشر، حکومت باید متعهد به ۹ سند محوری حقوق بین المللی بشر باشد و پروتکل های اختیاری آنها را بی هیچ قید و شرطی امضا و تصویب کند، از جمله پروتکل های کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ (CEDAW)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان و 1993 (DEVAW)، و پروتکل کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز ۱۹۸۴ میباشند

4.3 قانون اساسی باید مجازات اعدام را ممنوع کند و به این خواسته دیرینه جامعه مدنی ایران جامعه عمل ببوشاند

4.4 حکومت باید قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد را دربارهٔ زنان، صلح، و امنیت، و نیز قطعنامه‌های مرتبط با آن را که بر نمایندگی و مشارکت معنادار زنان در همهٔ فرآیندهای حلّ منازعه و پیشگیری از اختلافات ملی تأکید دارند بی‌هیچ قید و شرطی تصویب کند. 1. دولت باید «برنامهٔ اقدام ملی، **National Action Plan**» را جهت اجرای این قطعنامه‌ها برای پیشگیری از بروز احتمالی منازعات ملی و همچنین برای شرکت و سازمان دهی و نظارت، عدالت انتقالی تدارک ببیند.

4.5 اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول و روح و اهداف مندرج در آنها باید در قانون اساسی و مفاد آن گنجانده شوند و در تفسیر این حقوق مورد توجه قرار گیرند.

4.6 تمامی اصول و مقدمات مطروحه در «دستور کار سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد» باید به عنوان روح اخلاقی قانون اساسی برای پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی، قانونی و فرهنگی یک جامعه عدالت محور و آینده نگر در نظر گرفته شوند و اصلی راهنما برای همهٔ ارکان دولت باشند

5 تضمین معاهدات بین‌المللی حقوق بشری در سطح ملی

تمامی کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد که به امضا و تصویب دولت به نمایندگی از طرف ملت و حکومت ایران می‌رسد باید از نظر قانونی لازم‌الاجرا باشند و به نحو مقتضی در قوانین ایران منعکس شوند.

5.1 حکومت باید مفاد تعهدات و استانداردهای معاهدات بین‌المللی مصوّب را در چارچوب قانونی کشور بگنجانند و دادگاه‌ها و مقامات داخلی را به رعایت آن‌ها ملزم کند.

5.2 حکومت همچنین باید به آگاهی‌رسانی درباره مفاد این معاهدات و قوانین داخلی منتج از آنها میان مجاری ذیربط از جمله مقامات حکومتی، قضات، وکلا، سازمان‌های جامعه مدنی و عموم مردم متعهد باشد.

5.3 برای اطمینان از اجرای مؤثر این معاهدات، حکومت باید در درون وزارت خانه‌ها دستگاه‌های حکومتی با توسل به نهادهای تخصصی و مستقل مانند کمیسیون حقوق بشر، سازوکارهایی نظارتی تدارک ببیند. این نهاد نظارتی باید به صورت مرتب و دوره‌ای گزارش‌هایی دربارهٔ پایبندی کشور به معاهدات فوق تهیه کند و به مردم و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط ارائه دهد.

5.4 حکومت باید برای موارد نقض مفاد این معاهدات راه‌حل‌های مؤثری تدارک ببیند. این راه‌حل‌ها شامل رسیدگی عادلانه، پرداخت غرامت، و سایر اشکال جبران خسارت می‌شود.

5.5 همچنین قانون اساسی باید برای اطمینان از اجرای مفاد معاهدات و پاسخگو کردن ناقضان آنها سازوکارهای اجرایی شامل بازرسی تعقیب و تحریم توسط نهادهای نظارتی مدنی را به رسمیت بشناسد.

5.6 زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در سراسر ایران بایستی حمایت شوند اما هرگونه شاخصه‌های فرهنگی که زن ستیز باشد یا در تعارض با حقوق دیگر گروه‌ها باشد شامل این بند نمی‌شود.

6 تشکیل نهاد دادخواهی انتقالی / دوران گذار

جامعه ایران، صرف نظر از جنسیت زنان و مردان، ونژاد، جامعه اقلیت های مذهبی به ویژه دین ناباوران و LGBTQ نقض شدید حقوق بشر توسط دولت را به نام دین و «امنیت ملی» متحمل شده اند. بررسی و شناخت این آسیب های ملی و رفع آنها برای ایجاد ساختارهای حقوقی و فرهنگی قوی بر اساس اصول حقوق بشر و ایجاد فرهنگ ملی عدم خشونت ضروری است. قانون اساسی باید ایجاد یک کمیته داد خواهی انتقالی متشکل از کارشناسان را که با شرایط ایران و تجربیات سایر کشورهایی که این فرآیند را طی کرده اند آشنا باشند در الویت ها قرار دهد.

- 6.1 ترکیب کمیته کارشناسان در زمینه عدالت انتقالی باید حداقل ۵۰ درصد از زنان متخصص تشکیل شود. این کمیته همچنین باید شامل اقلیت های مذهبی و قومی و جوامع LGBTQ باشد.
- 6.2 این کمیته باید رایزنی های گسترده ای انجام دهد، به ویژه با گروه های متشکل از زنان و مادرانی که پیشگامان عدالت خواهی بوده اند و موضوع حق بر عدالت و دادخواهی و نه انتقام را به یک گفتمان ملی تبدیل کرده اند. این نهاد دادخواهی باید یک کمیسیون حقیقت یاب را تشکیل دهد که اشکال مختلف بی عدالتی هایی را که شهروندان، به ویژه زنان، با آن مواجه شده اند، مستند کند
- 6.3 این کمیته باید یک دیدگاه جنسیتی و آگاهی از در هم تنیدگی شرایط به حاشیه رانده شده گان (intersectional) اتخاذ کند و جنبه های جنسیتی جنایات رژیم را در این چهارچوب بررسی کند. این کمیته باید با سازمان های مختلف زنان که ملت را در حول و حوش این خواسته بسیج کرده اند و مطالبه حقیقت، عدالت خواهی و جبران خسارت را به یک جست و جوی ملی تبدیل کرده اند، همکاری کنند.
- 6.4 این نهاد باید با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب ترین مسیر را برای سازماندهی عدالت انتقالی انتخاب کند.
- 6.5 عوامل اصلی نقض حقوق بشر و سوء استفاده از شهروندان باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.
- 6.6 انواع مختلف نقض حقوق بشر شهروندان، به ویژه آزارجنسی زنان، باید از طریق مستندسازی و راه اندازی تریبون های عمومی به حافظه ملی سپرده شود تا نسل های آینده از آن بیاموزند. کمیته باید اطمینان حاصل کند که در کتابهای تاریخ مدارس منعکس شود و موزه های بی عدالتی ها در گوشه و کنار کشور تاسیس شود تا هزینه های انسانی خشونت های رژیم اسلامی در حافظه جمعی ملی نسل های آینده ثبت شود.

7 ریشه کن کردن خشونت علیه زنان

قانون اساسی باید « کمیسیون حقیقت یاب برای مقابله با خشونت علیه زنان » را به منظور یک تحقیق ملی برای بررسی خشونت مبتنی بر جنسیت و خشونت علیه زنان که در نتیجه نقض تعهدات منفی دولت (عدم ارتکاب خشونت علیه زنان) و تعهدات مثبت آن (حمایت و ارتقای ایمنی) توسط دولت صورت می گیرد، تشکیل دهد. چنین تحقیقی باید در چارچوب سیدا (CEDAW) و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای ریشه کنی خشونت علیه زنان و رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان باشد. « کمیسیون حقیقت یاب » و کمیته های فرعی آن باید برای تحقق اهدافشان موظف به همکاری با « تشکیلات زنان »

(ن.ک. ماده ۱۹ این سند) و «کمیسیون ملی زنان» (ن.ک. ماده ۲۰ این سند) و کمیته حقیقت‌یاب و آشتی ملی و نهاد مستقل حقوق بشر (ماده 3.3) باشند

7.1 کارشناسان حاضر در این نهاد باید شامل متخصصان حوزه جنسیت و برخوردار از مؤلفه‌های متکثر هویتی اتنیک، و جنسی-جنسیتی، دین ناباوران و اقلیت‌های دینی باشند.

7.2 کمیته‌های متشکل از کارشناسان حقوقی باید با تحقیقات وسیع میزان خشونت قانونی را که در حوضه‌های مختلف در جمهوری اسلامی از بدو تاسیس خود بر زنان طی سالها درحوضه‌های حقوق خانواده و احوال شخصیه، اشتغال، مشارکت عمومی و سیاسی، و آزادی‌های شهروندی و شخصی بر زنان روا داشته به تحریر در آورند. قوانین و حقوق به رسمیت شناخته شده سال‌های قبل از 1357 معیار پایه (benchmark) این تحقیقات می‌باشد.

این تحقیقات باید تأکید بر ارزیابی تأثیر قانون وضعیت خانوادگی و شخصی و همچنین بررسی جنبه‌های استقلال جنسی و بدنی، اشتغال، مشارکت عمومی و سیاسی و آزادی‌های مدنی و شخصی تأکید شود. ضروری است که یافته‌ها و گزارش‌های کمیته‌ها در میان عموم مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های زنان منتشر شود تا گفتمان‌های گسترده ملی و آگاهی در مورد اشکال مستقیم و مودیانه خشونت علیه زنان اطلاع‌رسانی شود.

یافته‌های این کمیته باید با قوه قضائیه و قوه مقننه به اشتراک و بحث گذاشته شود که این نهادها را در مورد اهمیت رسیدگی به ریشه‌کمی 45 دهه خشونت آشکار و ضمنی علیه زنان آگاه کند. این یافته‌ها همچنین باید در میان عموم مردم و جامعه مدنی و سازمان‌های زنان منتشر شود.

7.3 «کمیسیون حقیقت‌یاب» موظف است قوانین، سیاست‌ها، و رویه‌های موجود دولتی را که تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان را عادی‌سازی کرده بود (و میکند) شناسایی و بر لغو آن‌ها تأکید کند، از جمله آسیب‌های درهم تنیده مؤثر بر گروه‌های به حاشیه رانده شده گروه‌های اتنیک، اقلیت‌های دینی، و جنسی-جنسیتی. (اگرچه قوانینی که بر اساس این قانون اساسی که بر اصول حقوق بشر نوشته و تنظیم شود نباید چنین خصایصی داشته باشد)

7.4 هیئت کارشناسان این نهاد باید پژوهشی عمیق را درباره اشکال متفاوت خشونت مبتنی بر جنسیت، از جمله اسیدپاشی، قتل ناموسی، و حمله به گروه‌های جنسی-جنسیتی و آزار و اذیت آنها انجام دهد، یافته‌های خود را به اطلاع عموم برساند، و سیاست‌های پیشگیرانه مناسب را توصیه کند.

7.5 «کمیسیون حقیقت‌یاب» باید همه اشکال قلدری سایبری و خشونت و تحدید مبتنی بر جنسیت در فضای سایبری که به طور خاص زنان و گروه‌های جنسی-جنسیتی را هدف قرار می‌دهند باید جرم تلقی کند و در این باره تحقیقات لازم انجام و توصیه‌های قانونی و اجتماعی مناسب را برای پیشگیری از آنها ارائه دهد.

7.6 «کمیسیون حقیقت‌یاب» فوق باید با همکاری «تشکیلات کشوری زنان» و «کمیسیون ملی زنان» توصیه‌های سیاستی مربوطه را تدوین کند و تغییرات قانونی لازم را برای ریشه‌کن کردن تمامی ابعاد خشونت مبتنی بر جنسیت طرح کند.

7.7 «کمیسیون حقیقت‌یاب» باید با ارائه سیاست‌های جامع و راهکارهای مفید به دولت در روند وضع قوانین مناسب برای جلوگیری از انواع خشونت علیه زنان و آزار و اذیت آنها در خانه، فضاهای عمومی، مدارس، مؤسسات آموزشی، و محل کار مشارکت کند.

- 7.8 « کمیسیون حقیقت یاب » ، با توجه به مرجعیتی که در این تحقیق و تفحص دارد، باید درباره چگونگی عملکرد حکومت، به ویژه حکومت جمهوری اسلامی، گزارشی منتشر کند و راهکارهایی برای بهبود عملکرد حکومت ارائه دهد. حکومت باید به این یافته‌ها و توصیه‌ها متعهد باشد و طی مهلت مشخصی آن‌ها را اجرایی کند.
- 7.9 « کمیسیون حقیقت یاب » با همکاری « تشکیلات زنان » و « کمیسیون ملی زنان » باید از تطابق قوانین موجود و جدید با اسناد مربوط به حقوق بشر بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (DEVAW) اطمینان حاصل کنند.
- 7.10 قوانین جدیدی که برای منع خشونت جنسی-جنسیتی وضع می‌شوند باید شامل مقررات پیشگیرانه و قاطعی برای رسیدگی به جرم‌های خشونت خانگی، آزار جنسی، قتل ناموسی و ناقص‌سازی جنسی (ختنه) زنان باشند.
- 7.11 « کمیسیون حقیقت یاب »، همراه با « اداره امور زنان » و « کمیسیون ملی زنان » باید از طریق توسعه راه‌های ارتباطی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی به ارتقای آگاهی عموم مردم از قوانین حمایت از حقوق زنان کمک کند.
- 7.12 حکومت باید اعضای پلیس، نیروهای امنیت عمومی، و قوه قضائیه را به گذراندن دوره‌های آموزشی در مورد مسائل جنسی-جنسیتی و حقوق زنان موظف کند.

8 حقوق شهروندی زنان : برابری و عدم تبعیض در برابر قانون

همه افراد در قلمرو ایران صرف‌نظر از تابعیت، دین، گرایش جنسی-جنسیتی، و اتنیکی و مؤلفه‌های هویتی دیگر در برابر قانون و تحت آن برابرند. حکومت باید همه اقدامات لازم را برای تحقق این حقوق بدون تبعیض اتخاذ کند.

- 8.1 کلیه قوانین تبعیض‌آمیزی که نابرابری جنسی - جنسیتی را در عرصه‌های مدنی ، سیاسی و اقتصادی تداوم می‌بخشند باید لغو شوند .
- 8.2 حکومت همچنین باید همه قوانین موجود کشور را مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر که ضامن برابری جنسیتی و اتنیکی و مؤلفه‌های هویتی دیگر هستند را در راستای تطابق با این ماده به صورت بنیادین تدوین ، بازبینی و یا تغییر دهد.
- 8.3 حکومت باید فعالانه در تضمین برابری جنسیتی و رفع هرگونه تبعیض قانونی علیه زنان و اقلیت ها کوشش کند
- 8.4 قانون اساسی باید حقوق شهروندی برابر برای تمامی شهروندان و ساکنان کشور را تأمین و از آنها حمایت کند.
- 8.5 قانون اساسی باید حق اجتماعات مسالمت آمیز را برای همه شهروندان و ساکنین کشور به ویژه زنان و گروه های به حاشیه رانده شده تضمین کند.

8.6 قانون اساسی باید حق آزادی اندیشه و بیان و آزادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی را برای همه شهروندان و ساکنین کشور به ویژه زنان و گروه های به حاشیه رانده شده تضمین کند.

9 حق حضور و امنیت زنان در جامعه و تردد در اماکن عمومی

قانون اساسی باید حق زنان فارغ از هرگونه هویت جنسی-جنسیتی در زمینه حضور در عرصه عمومی و آزادی تردد تضمین کند. این حق، برخورداری از امنیت فیزیکی و روانی در هنگام مسافرت یا حضور در اماکن عمومی و تدارک فضایی عاری از هرگونه خشونت جنسی-جنسیتی را شامل می شود. حکومت باید همه اقدامات لازم را برای تحقق این حق و حمایت از آن انجام دهد.

9.1 قوانین تبعیض آمیزی را که نابرابری جنسیتی را در حوزه عمومی تداوم می بخشند و مانع از حق تردد زنان می شوند باید لغو شوند. حکومت باید اطمینان حاصل کند که قوانین موجود در این راستا با اسناد مربوط به حقوق بین المللی حقوق بشر تطابق دارند و قوانین جدیدی که وضع می شوند آزادی تردد زنان را تضمین می کنند.

9.2 هرگونه خشونت و آزار جنسی، جسمی، کلامی، اقتصادی و روانی و انواع خشونت "ناموسی" مانند اسید پاشی و قتل های "ناموسی" به کودکان، زنان، و گروه های جنسی-جنسیتی صرف نظر از تابعیتشان باید جرم تلقی شود و عاملان خشونت باید بطور جدی مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

9.3 ارتقاء آگاهی های عمومی و رفع هر نوع خشونت و سلب امنیت از زنان و کودکان و گروه های جنسی-جنسیتی از وظایف، اولویت های جدی دولت است. و باید در این مورد برنامه های جدی طرح کند و با سازمان ها و انجمن های زنان برای ارتقاء فرهنگ احترام به آزادی های زنان و شهر وندان همکاری کند

9.4 همه افراد از جمله زنانی که به طور قانونی در ایران زندگی می کنند حق دارند بدون محدودیت به هر نقطه از ایران نقل مکان کنند و محل زندگی خود را انتخاب کنند

9.5 همه شهروندان، از جمله زنان، که به سن قانونی رسیده باشد، باید به تنهایی حق دریافت هرگونه مدرک شناسایی و گذرنامه را برای خود داشته باشند و نباید برای مسافرت و برخورداری از حقوق شهروندی ملزم به دریافت اجازه از پدر، همسر، شریک زندگی یا هر فرد دیگر و یا نهادی باشند.

10 تضمین دسترسی به آموزش با کیفیت علمی و سکولار

آموزش با کیفیت علمی سکولار، فراگیر، و عادلانه از حقوق بنیادی بشر است و باید برای تمام ساکنان کشور در همه رشته های تحصیلی، به ویژه برای زنان و گروه های محروم و به حاشیه رانده شده در طول تاریخ، به طور رایگان و یکسان قابل دسترسی باشد.

10.1 قانون اساسی باید دسترسی برابر زنان را به آموزش بی هیچ محدودیتی و در همه سطوح تضمین کند و حکومت باید موظف به اجرای آن باشد.

10.2 ممکن است در برخی موارد لازم باشد حکومت تدابیر ویژه ای را برای تضمین دسترسی برابر زنان به آموزش در همه مناطق کشور و با توجه به بستر تاریخی متفاوت آنها در نظر بگیرد. (i.e. dormitory for female students)

- 10.3 قانون اساسی باید حق تحصیل بدون تبعیض زنان و دختران در تمامی حوزه‌ها، رشته‌ها و سطوح، و نیز برخورداری آن‌ها از محیط آموزشی امن را تضمین کند و حکومت ملزم به اجرای آن باشد.
- 10.4 حکومت باید امکانات آموزش ابتدایی را هم به زبان‌های مادری و هم به زبان رسمی برای همه شهروندان کشور فراهم کند.
- 10.5 سیاست‌های دولت باید در جهت رفع نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای و موانع فرهنگی برای تمامی شهروندان و ساکنان کشور فارغ از تفاوت‌های جنسی، جنسیتی، اتنیک و طبقه اجتماعی آنان باشد.
- 10.6 حکومت باید آموزش جنسی و بویژه جلوگیری از امراض مسری جنسی و حفظ سلامت از جمله آموزش راه‌های امن پیشگیری از بارداری، تنظیم خانواده و نیز حقوق و مسئولیت‌های باروری را در برنامه‌های درسی سراسر کشور بگنجانند.
- 10.7 همه افراد فارغ از سن، جنسیت و گرایش‌های اتنیک، باید به آموزش دسترسی داشته باشند و حق تحصیل آن‌ها نباید به لحاظ قانونی توسط والدین، حکومت، همسر و یا هر فرد حقیقی یا حقوقی محدود شود.
- 10.8 تمام کودکانی که در داخل مرزهای کشور زندگی می‌کنند حق حضور در مدارس را دارند.
- هیچگونه دین و آیین مذهبی نباید به عنوان یک ماده درسی در مدارس تدریس و یا تبلیغ شود
- 10.9 وزارت آموزش و پرورش باید بر برنامه درسی ملی مدارس مطابق با الزام قانون اساسی مبنی بر سکولاریسم و برابری همه شهروندان و ساکنان نظارت کند.

11 دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت

- قانون اساسی باید دسترسی زنان را به سیستم‌های خدمات بهداشتی باکیفیت و فراگیر بهداشت و سلامت در کشور، از جمله بهداشت باروری، سلامت مادر و نوزاد، پیشگیری رایگان و ایمن از بارداری، غربالگری جنین و سقط جنین امن را تضمین کند.
- 11.1 برای اطمینان از عاملیت و استقلال بدنی زنان هر قانون یا سیاستی که زنان را برای تصمیم‌گیری درباره سلامت‌شان ملزم به کسب اجازه و امضای همسر، شریک زندگی، یا هر فرد دیگری می‌کند غیرقانونی است و باید لغو شود و هرگونه قانونی که ناقض حق زن بر بدنش باشد، باید ملغا شود.
- 11.2 نابرابری در ارائه خدمات بهداشتی به زنان در سطح کشور، در مناطق و بخش‌های متفاوت، از جمله در زمینه بهداشت باروری و تنظیم خانواده باید به‌طور مؤثر برطرف شود.
- 11.3 در قانون اساسی باید امکان دسترسی به سلامت باروری و حقوق مرتبط با پیشگیری از بارداری و راه‌های متفاوت آن تضمین شود.
- 11.4 در قانون اساسی باید دسترسی به امکانات بهداشت و سلامت عمومی، جنسی و باروری برای همه صرف‌نظر از گرایش جنسی و هویت جنسیتی تضمین شود.
- 11.5 حکومت باید ناقص‌سازی جنسی زنان (ختنه زنان) را غیرقانونی اعلام کند

- 11.6 سیاست‌های ملی بهداشت با تمرکز بر کارزار آگاه‌سازی ملی و منطقه‌ای باید به این خشونت پایان دهند.
- 11.7 زنی که به دلیل ابتلا به مشکلات جسمی یا روانی از ورود به بازار کار منع شده‌اند باید بسته بهداشتی ویژه دریافت کنند و از مستمری دولتی برخوردار شوند

12 برابری حقوق در عشق، خانواده و زندگی مشترک

قانون اساسی باید اجرای قانون خانواده برابر و دموکراتیک را بدون توجه به گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی، اتنیکی، دینی یا هر مؤلفه هویتی دیگری برای همه شهروندان و ساکنان کشور مطابق با اصول و روح مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، و سایر اسناد مرتبط سازمان ملل متحد تضمین کند و حکومت باید ملزم به اجرای آن باشد.

- 12.1 فارغ از جنسیت، ازدواج پیوندی بین دو نفر است که آزادانه واحدی جمعی را تشکیل می‌دهند و افراد بالغ (بالای ۱۸ سال) در تشکیل و انحلال آن حقوق برابر دارند
- 12.2 همه ازدواج‌ها تحت سیستم سکولار ثبت می‌شوند و همه ازدواج‌ها و قوانین خانواده سکولار هستند
- 12.3 علاقه‌مندان به ازدواج‌های مذهبی متعاقباً می‌توانند این کار را انجام دهند، اما این باعث تغییر حقوق آنها بر اساس قوانین سکولار کشور نمی‌شود.
- 12.4 همه قوانینی که اشکال مختلف گرایش جنسی و جنسیتی را جرم می‌دانند باید لغو شوند
- 12.5 طبق مفاد مربوط به برابری جنسیتی در قانون اساسی همه قوانین سوگیرانه و تبعیض‌آمیزی که تاکنون حاکم بوده‌اند باید لغو شوند.
- 12.6 قوانین ازدواج و زندگی مشترک باید ضمن در نظر گرفتن فاکتور جنسیت، غیرتبعیض‌آمیز و منصفانه باشند و برابری طرفین را تضمین کنند.
- 12.7 زنان حق دارند با هر فردی صرف‌نظر از تابعیت به انتخاب خود ازدواج یا پیوند برقرار کنند.
- 12.8 زنان حق دارند برای شرکای قانونی زندگی‌شان مجوز اقامت و کار بگیرند.
- 12.9 زندگی مشترک باید شرایط و ضوابط توزیع ثروت انباشته‌شده در طول عمر رابطه مشخص شود. در غیاب چنین توافقی، ثروت انباشته‌شده باید به‌طور مساوی بین طرفین تقسیم شود.
- 12.10 حکومت باید همه سنت‌های غیرانسانی را که به دختران و زنان آسیب می‌زنند، از جمله تبادل زنان برای پایان دادن به خصومت‌های خونین، مانند خون بس، قسم طلاق که در افراد اهل سنت مرسوم است، سه طلاقه کردن، قتل ناموسی، و ازدواج کودکان را غیرقانونی اعلام کند و کارزارهایی گسترده برای آگاهی‌بخشی به مردم درباره تأثیر مخرب آنها راه‌اندازی نماید.
- 12.11 مادران باید از حق دریافت شناسنامه و گذرنامه برای فرزندان خود برخوردار باشند.

12.12 مادران باید این حق را داشته باشند که صرف نظر از وضعیت تأهلشان گواهی تولد فرزندان خود را ثبت کنند و نام خانوادگی خود را به فرزندانشان منتقل کنند.

12.13 مطابق با این الزام، قوانین تابعیت باید اصلاح شوند تا حق مادران برای انتقال تابعیت خود به فرزندان خود بدون هیچ محدودیتی را به رسمیت بشناسند.

13 حقوق اقتصادی زنان، الگوی توسعه پایدار، اشتغال، و بازار کار

برای شکوفایی توانایی‌های اقتصادی و رفاه پایدار زنان ضروری است الگوی توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور به سمت اشتغال‌زایی، برقراری نظام تامین اجتماعی سراسری، حفاظت از منابع طبیعی در همه ابعاد آن بخصوص آب، و توزیع عادلانه درآمدها هدایت شود، به گونه‌ای که فقر مطلق از میان برود و فقر نسبی کاهش یابد و توزیع ثروت به سمت عادلانه‌تر در جامعه پیش برود. قانون اساسی باید فرصت‌های برابر زنان برای ورود به بازارکار، دسترسی به سرمایه و اعتبارات، دستمزد برابر و تامین اجتماعی متناسب با نیاز آنها را تضمین کند.

13.1 قانون اساسی برای برخورداری زنان از حق دسترسی برابر به بازارهای کار خصوصی و دولتی، فرصت‌های برابر اشتغال، امکان انتخاب آزادانه شغل، حق برابر برای مهارت آموزی در همه حرفه‌ها، برخورداری از مزد برابر برای کار برابر، و تعطیلات دوره‌ای با مزد و مزایای بازنشستگی را بدون توجه به جنسیت آنها تضمین کند و حکومت باید مکانیزم‌های ممکن برای عملی کردن آن را بکار گیرد.

13.2 در همه وزارتخانه‌ها باید نهادی متشکل از زنان و کارشناسان جنسیت تشکیل شود. وظیفه این نهاد نظارت بر رعایت الزامات برابری مندرج در قانون اساسی است. نهاد باید با دفتر امور زنان و کمیسیون ملی زنان برای اطمینان از رعایت بندهای برابری جنسیتی همکاری کنند.

13.3 همه افراد، از جمله زنانی که به طور قانونی در ایران زندگی می‌کنند، حق دارند به دنبال کسب معیشت قانونی باشند.

13.4 حکومت باید تبعیض علیه زنان را بر مبنای باروری آنها غیر قانونی اعلام کند. همچنین باید وظیفه

13.5 قانون اساسی باید مرخصی استحقاقی فرزندآوری برای والدین ضمن حفظ سابقه کاری و پرداخت حقوق تضمین کند. بدیهی است که مرخصی دوران زایمان زنان در بخش خصوصی و دولتی، باید با پرداخت حقوق و دستمزد کامل تضمین شود. قانون اساسی باید مرخصی استحقاقی فرزندآوری برای والدین ضمن حفظ سابقه کاری و پرداخت حقوق تضمین کند. بدیهی است که مدت مرخصی دوران زایمان زنان در بخش خصوصی و دولتی باید تماماً جزو سابقه کاری آنها منظور شود

13.6 بزرگ کردن کودکان را مسئولیت مشترک جنسیت‌های دخیل و در واقع کلیت جامعه قلمداد کند.

13.7 آزادی زنان برای تشکیل سندیکاهای کارگری و صنفی یا پیوستن به آنها باید تضمین شود.

13.8 حکومت باید تسهیلات لازم را برای والدین شاغل جهت مراقبت از فرزندان فراهم آورد.

13.9 حکومت باید برای زوج های مشغول همکانات کاری در یک منطقه بوجود آورد.

13.10 حکومت باید کار خانگی، کار مراقبتی و کار زنان را در بخش اقتصاد غیر رسمی به رسمیت بشناسد و آنها را در درآمد ملی و شاخص های توسعه کشور منظور کند. برای کارخانگی بیمه درمانی و از کار افتادگی .

13.11 دولت باید برای زنانی که دارای محدودیت های فیزیکی یا سایر محدودیت ها هستند اما در صورت حمایت می توانند شغل داشته باشند، اشتغال را تسهیل کند.

13.12 حکومت باید حق سالمندی یا ناتوانی برای کار کردن به دلیل آسیب یا بیماری را برای تمام زنان از جمله زنان خانه دار و همچنین زنانی که در اقتصاد غیررسمی فعال بوده اند به رسمیت بشناسد. حکومت باید حقوق مستمزی را که ضامن زندگی انسانی و امن برای آنها باشد فراهم کند.

14 زنان و محیط زیست

تخریب محیط زیست و منابع طبیعی پیامدهای فاجعه باری برای جامعه شهری و روستایی به همراه داشته که زندگی زنان را دگرگون کرده و دشوارتر کرده است. مخاطرات سوانح طبیعی نظیر زلزله و سیل، که ابعاد آن در نتیجه تغییرات اقلیمی و ناپایداری ساختمانها و محیط شهری و روستایی گسترده تر از قبل شده خطرات بیشتری را متوجه زنان و کودکان می کند . قانون اساسی باید حفاظت از طبیعت و محیط زیست شهری و روستایی را یک وظیفه عمومی بشناسد و ابعاد جنسیتی آن را مورد توجه قرار دهد. (بسیاری از برنامه های توسعه پایدار 2030 سازمان ملل می توانند راهنمای موثری ارائه دهند)

14.1 قانون اساسی باید دولت را مکلف کند که به سمت نظام توسعه پایدار و سازگار با محیط زیست و با تکیه بر تولید انرژی تجدید پذیر، پایدار هدایت کند تا سیاست کاهش ردپای کربن و استفاده از سوخت فسیلی در کشور که سرچشمه آلودگی های بحران زا برای سلامتی جامعه و زنان است محقق شود.

14.2 قانون اساسی دولت را مکلف کند تا با تدوین سیاست ها و قوانین جدید، متناسب با تغییرات اقلیمی و بحران های پیچیده و چند وجهی ناشی از خشکسالی و ورشکستگی آبی کشور، جایگزین مناسبی برای فعالیت های روبه زوال کشاورزی تعریف کند تا زنان کشاورز منابع درآمدی خود را از دست ندهند و با مجبور به مهاجرت نشوند

14.3 قانون اساسی دولت را مکلف کند که با برنامه های آموزشی در سطح مدارس و جامعه برای ارتقای سطح دانش اجتماع از اهمیت مسائل اقلیمی و حفاظت از محیط زیست برنامه های جدی تدوین کند.

14.4 وزارت برنامه ریزی محیط زیست باید همواره یک کمیته زنان متشکل از کارشناسان جنسیتی و فعالان محیط زیست را برای همه برنامه ریزی ها و ارزیابی های خود از پروژه های مختلف توسعه ای تشکیل دهد

14.5 قوانین باید حامی مشارکت فعال زنان که از پیشتازان در حفاظت محیط زیست بودند، در آموزش های زیست محیطی باشد زیرا زنان با کسب آموزش های لازم می توانند نقش آموزگار محیط زیستی را در خانواده، محله، شهر و کشور ایفا کنند و به روند اصلاح عادات و رویه های غلط و بهسازی مصرف منابع، تفکیک و بازیابی مواد، و طرح های احیای طبیعت کمک کنند.

14.6 استانها و مناطق کشور با تضاد منافع در استفاده از منابع آب و طرح‌های بهره‌برداری و حفاظت از محیط زیست مواجه‌اند. زنان بیش از همه گروهها از تشدید تخاصمات بین مناطق آسیب می‌بینند. سیاستها و قوانین جدید باید نظام حکمرانی تازه‌ای، مبتنی بر مشارکت مستقل مردمی و برابر زنان و مردان همانطور که معاهده 1325 سازمان ملل متحد (National Action Plan) مقرر کرده است برای حل اختلافات منطقه‌ای درباره منابع تدارک ببیند تا حفاظت از منابع آب، جنگل‌ها و حیات وحش، مقابله با بیابان‌زایی و گرد و غبار و آلودگی‌های زیست محیطی امکانپذیر شود.

14.7 سیاستها و قوانین جدید باید ابعاد آسیب پذیری جنسیتی پیامدهای سوانح طبیعی را به رسمیت بشناسند و در رفع آنها بکوشند. درسیاستگذارها، برنامه ریزی ها و تدوین قوانین به هنگام بازسازی مکانها، فضاها و اجتماعات باید به نیازهای زنان توجه خاص شود و از بازتولید تبعیضات جنسیتی موجود جلوگیری نماید.

14.8 قانون باید ضامن استقلال فعالیت انجمن‌های زیست محیطی که با پیشتازی زنان آگاه ایرانی در دهه‌های گذشته راه‌اندازی شده است باشد و مشارکت آنها را در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های زیست محیطی تضمین کند.

14.9 قانون باید استقلال فعالیت انجمن‌های محیط زیستی را که با رهبری زنان پیشکسوت و آگاه ایرانی در دهه‌های گذشته راه‌اندازی شده است تضمین کند و مشارکت آنها را در روند تهیه و اجرای طرح‌های زیست محیطی تضمین کند.

15 حقوق مشارکت سیاسی زنان

قانون اساسی باید حقوق سیاسی زنان و برابری جنسیتی را در همه پست‌های انتخابی برای نمایندگی سیاسی در تمام سطوح ملی منطقه ای و محلی تضمین کن و زنان همواره پنجاه درصد کرسی‌ها را در تمام حوزه‌های انتخاباتی داشته باشند

15.1 حکومت مسئول برگزاری دوره‌های انتخابات آزاد است. همه شهروندانی که به سن قانونی رسیده اند، صرف‌نظر از جنسیت، اتنیک، دین باور و خدانا باور و یا هر مؤلفه هویتی دیگر می‌توانند آزادانه در انتخابات نامزد شوند یا به نامزدهای انتخاباتی رأی بدهند.

15.2 دولت مسئول برگزاری انتخابات منظم و آزاد است که در آن همه شهروندان بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، قومیت، مذهب یا هر وضعیت دیگر در شرکت به عنوان نامزد و/یا به عنوان انتخاب کننده آزاد هستند.

15.3 باید ۵۰ درصد از کرسی‌های مجالس قانونگذاری و سایر نهاد‌های انتخابی به زنان اختصاص یابد. زنان باید نیمی از نمایندگان تمام حوزه‌های انتخاباتی در سراسر کشور را تشکیل دهند.

15.4 صرف‌نظر از نظام حکومتی کشور زنان حق دارند در تمام پست‌های سیاسی و همینطور بالاترین مقام سیاسی کشور را دارا باشند.

15.5 حکومت موظف است موانع حضور برابر زنان در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی و به دست آوردن کرسی‌های نمایندگی را از طریق حمایت مالی و با برگزاری کارزارهای حمایتی و آموزشی برطرف کند.

15.6 قانون اساسی باید حق زنان را صرف نظر از طبقه، هویت جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آنها برای آزادی اجتماعات، تشکلهای، و تشکیلات از جمله تأسیس احزاب سیاسی یا پیوستن به آنها تضمین کند.

15.7 حکومت باید قوانین تبعیض آمیزی که نابرابری جنسیتی را در عرصه های مدنی و سیاسی تداوم میبخشند بازبینی و تغییر دهد. حکومت همچنین باید قوانین موجود را بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشر و خواسته های دیرینه زنان که ضامن برابری جنسیتی در حوزه ضمه سیاست و صلح پایدار هستند منطبق سازد.

15.8 حکومت باید هرگونه خشونت علیه زنان را در قلمرو سیاسی و انتخابات جرم تلقی کند (VAWP/E).

16 نمایندگی و مشارکت معنادار زنان در تصمیم گیری اجرایی

حکومت باید نمایندگی زنان و مشارکت معنادار و مؤثر آنان را در فرایند تصمیم گیری و پست های اجرایی در سطوح متفاوت تضمین کند و برای تحقق این هدف تدابیر لازم را اتخاذ کند.

16.1 زنان باید پنجاه درصد از کل پست های تصمیم گیری اجرایی در دولت را سطوح ملی و استانی و منطقه ای در اختیار باشند.

16.2 دولت باید اقداماتی را برای حمایت و آموزش زنان در جهت افزایش نقش و نفوذ آنها در تصمیم گیری های اجرایی انجام دهد.

16.3 همه وزارتخانه های دولتی باید دارای یک بخش اختصاصی به رهبری زنان باشند تا اطمینان حاصل شود که سیاست های وزارت با بندهای برابری قانون اساسی مطابقت دارد و با آنها مطابقت دارد. و همچنین اطمینان حاصل شود که آنها با همکاری کمیسیون ملی زنان (NCW) ذکر شده در بخش 15 زیر).

مشارکت زنان و دسترسی به عدالت در قوه قضائیه

قوة قضائیه باید ضامن رفتار برابر و منصفانه با زنان صرف نظر از طبقه، باورهای دینی یا غیردینی (سنت های فرهنگی)، هویت جنسی-جنسیتی، و اتنیکی آنها باشد. به علاوه حکومت باید انتصاب قضات زن را در تمام سطوح قوه قضائیه تضمین کند.

16.4 مجموعه قضات قوه قضائیه باید شامل ترکیبی از افراد سراسر کشور فارغ از مؤلفه های هویتی مختلف آنها باشد.

16.5 در پست های قضاوت یا دیگر پست های مهم قضایی باید برابری جنسیتی تضمین شود

16.6 باید حداقل ۵۰ درصد از پست های قضاوت در دادگاه خانواده به گروه زنان و حقوقدان ها با هویت های درهم تنیده اختصاص یابد.

16.7 نهادهای قانونی باید طوری اصلاح شوند که بازتاب دهنده بندهای مربوط به مفاد برابری در قانون اساسی باشند و باید اصلاح قوانین مربوط به احوال شخصیه از جمله قوانین خانواده که طی قرون گذشته و بخصوص در چهارده گذشته زمینه محرومیت و تبعیض علیه زنان بوده در اولویت قرار گیرد

16.8 هر قانونی که با بندهای برابری قانون اساسی مغایرت داشته باشد باید ملغی اعلام شود. قوانین مدنی‌ای که مبتنی بر تبعیض جنسیتی یا بر آمده از دین و سنت‌های فرهنگی هستند، از جمله تبعیض علیه زنان در مقام شاهد یا قوانین مربوط به دیه، ارث، و سایر قوانین تبعیض‌آمیز باید فوراً لغو شوند. این لازمه و قدم اول برای ریشه کن کردن خشونت علیه زنان می‌باشد.

16.9 قوانینی که اعمال جنسی توافقی اقلیت‌های جنسی را جرم‌انگاری می‌کنند باید فوراً لغو شوند.

16.10 قوانین تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌های دینی باید فوراً لغو شوند.

17 حق شکوفایی فردی، جسمی و فرهنگی زنان (ورزش و امکانات تفریحی زنان)

حق زنان برای شکوفایی فردی، جسمی و فرهنگی باید مورد حمایت حکومت قرار گیرد. به این منظور باید ایجاد امکانات ورزشی و فرهنگی ویژه زنان در دستور کار دولت باشد

17.1 بودجه ریزی در زمینه ورزش باید بر اساس برابری جنسیتی باشد.

17.2 حکومت باید حق دسترسی برابر به امکانات ورزشی و برخورداری از سهم برابر در سرمایه‌گذاری دولت برای تربیت بدنی دختران و زنان فراهم و تضمین کند و برای بخش مسابقات زنان در سطح کشوری و بین‌المللی سرمایه‌گذاری شود.

17.3 حکومت باید وجود فضاهای عمومی و اماکن ورزشی عاری از هرگونه آزار و ناامنی را برای دختران و زنان تضمین کند.

17.4 حق زنان برای مشارکت در توسعه فرهنگی، هنری، ورزشی اقتصادی و علمی باید در تمام مناطق کشور و خارج از کشور به رسمیت شناخته شده، ترویج و حمایت گردد.

18 دسترسی به فضای سایبری

حکومت باید حق دسترسی برابر و امن به اینترنت و فضای مجازی عاری از خشونت جنسی-جنسیتی را برای زنان تضمین کند.

18.1 حکومت باید تمام اقدامات لازم را برای دسترسی به اینترنت در سراسر کشور از جمله مناطق روستائین انجام دهد.

18.2 حکومت باید دسترسی رایگان و آسان تمام نهادهای آموزشی از جمله مدارس سراسر کشور را به فناوری تکنولوژیک به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در آموزش تضمین کند.

18.3 فضای دیجیتال، بستری مهم برای فعالیت و مبادلات اقتصادی، علمی و فرهنگی است. به همین دلیل حکومت باید از دسترسی بدون مانع اینترنت برای همه و به خصوص زنان اطمینان حاصل کند.

18.4 دسترسی به اینترنت از حقوق اساسی است. نهادهای حکومتی اجازه ندارند خودسرانه این حق را با اعمال محدودیت در برقراری اتصال، سانسور، فیلتر، و یا هر شیوه‌ای که دسترسی به فضای دیجیتال را محدود می‌کند از افراد سلب کنند.

- 18.5 قلدري، ارباب، و خشونت‌ورزي در فضاي سايري غالباً ماهيتي جنسيتي دارد. حكومت بايد راهكارهايي براي ممانعت اعمال چنين اشكالي از آزارواذيت زنان و گروه‌هاي جنسيتي در فضاي سايري در نظر بگيرد.
- 18.6 فضاي مجازي بستر مهمني براي آزادي بيان است. دولت نمي تواند اين حق را خودسرانه يا بدون حكم دادگاه معتبر محدود كند
- 18.7 قانون اساسي بايد استفاده از اطلاعات ديجيتال افراد از جمله موقعيت جغرافيايي و اطلاعات بيولوژيكي مثل شناسايي چهره و صدا را براي اهداف امنيتي كه آزادي هاي شهروندي را نقض ميكند منع كند.

19 تشكيلات امور زنان: سازوكارهاي اجرائي و نظارتي در ساختار سياسي

- لازم است ساختاري مؤثر براي تحقق برابري جنسيتي مطابق با مفاد قانون اساسي و در راستاي برطرف كردن نابرابري‌هاي ديرينه اجتماعي و اقتصادي شكل بگيرد. قانون اساسي بايد مناسب‌ترين چارچوب را براي «تشكيلات ملي امور زنان» جهت نظارت بر سياست‌ها و برنامه‌هاي ملي و اجرائي آنها تدارك ببيند. به دليل نامعلوم بودن نوع و ساختار حكومت آينده شكل و ساختار تشكيلات زنان نيز به فوريت روشن نيست و لازم است در پيش‌نويس قانون اساسي درباره ويژگي‌هاي آن توضيح داده شود. پس در اين سند از عنوان موقت «تشكيلات امور زنان» براي تعيين كارکرد اين نهاد سياسي استفاده مي‌شود.
- 19.1 قانون اساسي بايد تصريح كند كه اين نهاد به بودجه مستقل از دولت و ساير منابع لازم براي انجام وظيف خود دسترسي خواهد داشت.
- 19.2 وزارت‌خانه‌ها و نهادهاي حكومتي متفاوت بايد ملزم به همكاري با «اداره امور زنان» باشند.
- 19.3 «اداره امور زنان» بايد پژوهش‌هاي ويژه جنسيتي را براي شناسايي نيازهاي اقتصادي، سياسي و اجتماعي زنان با در نظر گرفتن هويت‌هاي درهم تنيده و موقعيت‌هاي جغرافيايي آنان انجام دهد، پيشنهادهاي سياسي لازم را براي پيشبرد سياست‌هاي حساس به جنسيت در اختيار به قوه مجريه ارائه دهد،
- 19.4 تشكيلات امور زنان بايستي تحقيقات گسترده‌اي در مورد بودجه بندي (gender budgeting) و سرمايه‌گذاري مناسب و مساوي براي پيشرفت و شكوفايي زنان و دختران انجام دهد و نتايج اين تحقيقات را با سازمان‌هاي برنامه‌ريزي و وزارتخانه‌هاي مربوطه و عموم مردم علاقمند قرار دهد
- 19.5 سازمان امور زنان بايد براي شناسايي ريشه‌ها و علل خشونت عليه زنان مطالعه و ريشه يابي كند. سازمان امور زنان بايد با «كميسيون ملي براي حذف خشونت عليه زنان * ماده ??» همكاري و هماهنگي كند و كمپين‌هاي مناسب براي پايان دادن به شيوه‌هاي مختلف فرهنگي و قانوني كه خشونت عليه زنان را تداوم مي بخشد راه اندازي كند.
- 19.6 «تشكيلات امور زنان» بايد نقض مفاد برابري جنسيتي قانون اساسي را در قوانين موجود بررسي كند و راهكارهايي براي برطرف كردن آنها به دولت پيشنهادهد. و در صورت لزوم شكايت را به كميسيون مستقل برابري جنسيتي دادگاه عالي قانون اساسي (article 3.1) ببرد.
- 19.7 «تشكيلات امور زنان» بايد در جهت ريشه‌كني هرگونه خشونت جنسيتي اقدام كند و در اين خصوص بايد با «نهاد تحقيق و تفحص ملي» هم همكاري كند.

19.8 «تشکیلات امور زنان» باید با مشورت کارشناسان، فمینیست‌ها، و سازمان‌های پیگیر برابری جنسیتی سیاست‌های مناسبی را برای ایجاد سرپناه/خانه‌های امن برای قربانیان خشونت خانگی تدوین کند.

20 کمیسیون ملی زنان (National Commission of Women)

قانون اساسی باید بر تشکیل کمیسیون ملی زنان (NCW)، در قالب نهادی مستقل و با شعبه‌هایی در تمام استان‌ها تصریح کند. این کمیسیون نقش نظارت بر اجرای بندهای مربوط به مقوله برابری و تنوع در قانون اساسی در همه سیاست‌های دولت را عهده‌دار خواهد بود. همچنین در قانون اساسی باید بودجه‌ای کافی به این نهاد برای پیشبرد اقداماتش اختصاص یابد.

20.1 قانون اساسی باید این نهاد را به عنوان یک نهاد مستقل با بودجه کافی برای مأموریت خود تعیین کند.

20.2 وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مختلف باید ملزم به همکاری با «کمیسیون ملی زنان (NCW)» میباشند.

20.3 درصد اعضای هیئت مدیره/بدنه تصمیم‌گیری مرکزی در کمیسیون ملی زنان (NCW) را باید نمایندگان منتخب سازمان‌های جامعه مدنی زنان تشکیل دهند. ۵۰ درصد دیگر هم باید شامل کارشناسان دولتی‌ای باشد که در زمینه‌های مرتبط تخصص دارند.

20.4 در راستای تضمین استقلال کمیسیون ملی زنان (NCW)، پیشنهاد ریاست این نهاد باید به عهده سازمان‌های زنان باشد. رئیس کمیسیون ملی زنان پس از تأیید هیئت مدیره توسط دولت منصوب می‌شود.

20.5 دوره تصدی رئیس کمیسیون ۴ سال محدود است و فقط برای یک دور دوم قابل تمدید می‌باشد. (فرد منصوب نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی در این سمت باقی بماند.)

20.6 این کمیسیون باید شامل دبیرخانه فنی و کمیته‌های تخصصی موضوعی با تمرکز بر آموزش، جوانان، مشارکت سیاسی، امور قانونگذاری، زنان روستایی، توان‌خواهان، رسانه، محیط‌زیست و غیره باشد.

20.7 وظایف کمیسیون ملی زنان (NCW) موارد زیر را دربرمی‌گیرند:

20.8 بررسی قوانین، سیاست‌ها، و اقدامات فرهنگی تبعیض‌آمیز علیه زنان، به‌ویژه گروه‌های جنسی-جنسیتی و اقلیتی،

20.9 توسعه محتوای آموزشی مناسب جهت ارتقاء آگاهی جنسیتی میان قضات، مقامات حکومتی، پلیس، و نیروهای امنیت عمومی.

20.10 اتخاذ سازوکارهای مناسب برای ارتقای آگاهی نهادهای حکومتی و عموم مردم دربارهٔ هنجارهای قانونی و فرهنگی که تبعیض علیه زنان و گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی و جنسیتی را عادی سازی میکند.

20.11 کمیسیون ملی زنان (NCW) موظف به همکاری نزدیک با «نهاد تحقیق و تفحص ملی» دربارهٔ خشونت علیه زنان است. این کمیسیون باید یک کمیته کارشناسی متشکل از کارشناسان جنسیت تشکیل دهد که از نمایندگان اقوام و گروه‌های جنسیتی زنان و سازمان‌های جامعه مدنی هم مشورت بگیرد.

20.12 از آنجایی که اجرای سیاست‌هایی که قبلاً منافع مراکز شهری و کلان‌شهرها را در نظر داشتند، نابرابری بین زنان در روستاها و شهرهای کوچکتر و به ویژه اقلیت‌های قومی و دینی تشدید شده است. بنابراین لازم است با در نظر گرفتن پیشنهادات افراد ذی‌ربط سیاست‌های خاصی برای رفع این تبعیض‌ها طراحی شوند.

20.13 این کمیسیون باید بخشی برای دریافت شکایات مربوط به نابرابری جنسیتی و آزار جنسی داشته باشد و اقدامات بایسته را برای رسیدگی به دغدغه‌های موجود در این زمینه انجام دهد. یکی دیگر از فعالیت‌های این کمیسیون ترویج گفت‌وگویی عمومی برای جلوگیری از اینگونه سوءرفتارها خواهد بود.

20.14 «کمیسیون ملی زنان» باید درباره تأثیر و پیامدهای قوانین پیشنهادی و موجود در خصوص برابری جنسیتی، اطلاعات لازم را به مجلس ملی ارائه دهد.

20.15 «کمیسیون ملی زنان» باید با همکاری «تشکیلات امور زنان» و کمیسیون مستقل حقوق بشر و «کمیسیون حقیقت‌یاب» در سطح ملی جهت ارتقای سیاست‌های برابری جنسیتی و پاسخگویی به مطالبات زنان، به ویژه در مناطقی که از لحاظ تاریخی مزایای اقتصادی و اجتماعی اندکی از دولت مرکزی دریافت کرده‌اند، تلاش کند.

20.16 کمیسیون باید در مورد تأثیر و پیامدهای قوانین پیشنهادی و موجود در مورد برابری جنسیتی به پارلمان ملی اطلاعات ارائه دهد.

20.17 کمیسیون باید مواد آموزشی لازم را برای ارتقای آگاهی عمومی نسبت به مفاد مربوط به حقوق بشر، تنوع، و برابری در قانون اساسی تدارک ببیند و احترام به این مفاد را به بخشی جدایی‌ناپذیر از بافت اجتماعی و فرهنگی کشور تبدیل کند.

20.18 این کمیسیون باید یک مرکز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان داشته باشد که کمک‌های مالی به سازمان‌های زنان ارائه کند، و انجمنی را برای سازمان‌های زنان برای ملاقات و برگزاری جلسات بین‌گروهی فراهم کند.

20.19 «کمیسیون ملی زنان» باید مرکزی برای پیگیری توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان داشته باشد که وظیفه آن ارائه امکانات مالی و آموزشی به سازمان‌های زنان باشد. کمیسیون دفتری را نیز جهت گردهم‌آبی و برگزاری جلسات بین‌گروهی این سازمان‌ها ایجاد می‌کند.

20.20 کمیسیون باید در کنفرانس‌ها و نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شرکت کند و از تجربه‌های زنان در سایر کشورها بهره‌گیرد و همین‌طور تجربه‌های زنان ایران را با زنان دیگر منطقه و جهان در میان بگذارد.